

نقد مشترک نیروهای سیاسی

عباس عبدي

همیشه تاکید کرده‌ام که ما نیازمند وحدت نظر در روش هستیم، اختلاف محتوایی هست و خواهد بود، ولی اختلاف در روش از جمله قواعد گفت‌وگو و تحلیل واقعیت، پذیرفتنی نیست. ما در محتوای افکار و ارزش‌هایمان می‌توانیم متفاوت باشیم، ولی باید در موضوعات مشابه، نسبت به روش توافق نسبی داشته باشیم. بنابراین مهم‌تر از محتوای هر اقدام و تحلیل سیاسی، روشی است که آن محتوا بر آن اساس شکل گرفته است. برای نمونه می‌توان گفت؛ این گزاره که هدف وسیله را توجیه می‌کند یا نمی‌کند، به نسبت مخدوش است، زیرا هدف اولیه ما توافق نسبت به وسیله است و تمایزی میان این دو وجود ندارد. متأسفانه همیشه وسیله را در خدمت هدف قرار داده‌ایم، در حالی که رسیدن به روش و وسیله مشترک، یک هدف اولیه و بسیار مهم است. در فوتبال می‌توانیم طرفدار یک تیم باشیم، اگر خوب بازی کند، برنده می‌شود، مدیر خوب، مربی خوب، بازیکن خوب، تاکتیک خوب، همه اینها هنگامی معنا می‌دهد که بازی فوتبال براساس یک قاعده و روش و منطق مشترک انجام شود. به عبارت دیگر اگر خطایی را به زیان یک تیم پنالتی بگیریم، همان خطا را باید به سود آن تیم نیز پنالتی بگیریم. ما نمی‌توانیم در موضوعات یکسان از منطق دوگانه و قواعد روشی متفاوت استفاده کنیم. به نظر می‌رسد که مشکل مهم نیروهای سیاسی در کشور بیش از اینکه اختلاف محتوایی باشد ملتزم نبودن به یک منطق و روش و قاعده تحلیلی مشترک است. برای نمونه در تحلیل و موضع‌گیری نسبت به ماجرای اوکراین شاهد چنین منطق دوگانه‌ای هستیم.

یک گروه که جناح رسمی کشور هستند، با تعابیری مختلف و در عمل نیز از حمله روسیه به اوکراین دفاع می‌کنند، یا حداقل آن را اگر نه مشروع، بلکه قابل فهم می‌دانند. این رویکرد مبتنی بر نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است. اتفاقاً در ماجرای حمله اخیر ایران به اربیل نیز از همین منطق استفاده کردند. نتیجه طبیعی تن دادن به این منطق و رویکرد این است که چیزی به نام حق و قانون فراتر از قدرت و منافع در روابط بین‌الملل اعتبار حقوقی ندارد، یا حداقل می‌توان گفت که قانون و حقوق هنگام مغایرت با امنیت ملی،

کنار گذاشته و قدرت و زور جایگزین آن می‌شود. تشخیص مغایرت یک پدیده با امنیت ملی هر کشوری نیز برعهده مقامات همان کشور است و نمی‌توان کشورها را در این تشخیص مقید و محدود کرد. گروه دوم و در نقطه مقابل، منتقدان این سیاست رسمی و حکومتی هستند که با استفاده از رویکرد حقوقی و اخلاقی حمله به هر کشور دیگری از جمله حمله روسیه به اوکراین را کلاً محکوم می‌کنند و حمله‌کننده را متجاوز می‌نامند. هرکدام از این دو رویکرد می‌توانند مبنای یک منطق مشترک برای تفاهم یا گفت‌وگو باشند، به شرطی که حاملان و مدافعان آنها در همه حال و در همه موارد از منطق خود تبعیت کنند، نه آنکه در موارد دیگر از آن عدول نمایند. ابتدا منطق طرفداران سیاست رسمی ایران را بررسی کنیم. آنان براساس همین منطق، حضور در سوریه را نیز مشروع و قابل قبول می‌دانند، مبارزه با داعش در سوریه و عراق را حق مسلم ایران برای تامین امنیت خود می‌دانند. اگر با این منطق موافق باشیم، تمامی اقدامات امریکا و غرب در ماجرای هسته‌ای ایران و نیز حضور آنان در سوریه و هر جای دیگری را نیز باید پذیرفت و به عنوان رفتاری طبیعی با آن مواجه شد. در این صورت نمی‌توان قطعنامه‌های شورای امنیت یا تحریم‌های گسترده علیه ایران را به کلی نامشروع دانست و نادیده گرفت، زیرا آن کشورها نیز برحسب درکی که از امنیت و منافع ملی خود دارند، چنین اقداماتی را انجام می‌دهند، به قول معروف کاری که عوض دارد گله ندارد. از سوی دیگر منتقدان سیاست رسمی ایران در اوکراین نیز عموماً از معیار و منطق دوگانه سود می‌جویند. نمونه‌اش اقدامات غربی‌ها در منطقه و به‌طور مشخص موضوع هسته‌ای ایران است. اگر ایران به هر دلیل بخواهد فناوری هسته‌ای و غنی‌سازی داشته باشد (درستی یا نادرستی این سیاست برای ایران بحث دیگری است، مثل خواست اوکراین برای الحاق به ناتو) چرا کشور دیگری مجاز باشد که با ایران برخورد کند؟ چرا ایران باید در برابر خواست آنان کوتاه بیاید و به کوتاه آمدن در برابر غرب توصیه شود؟ درباره حضور کشورهای دیگر در سوریه، لیبی، عراق و افغانستان و یمن نیز باید از همین استدلال سود جست. وجود منطق دوگانه در تحلیل رویدادهای بین‌المللی؛ بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن نیروها به تفاهم متقابل است. رویکرد نادرستی که اتفاقاً منحصر به روابط بین‌الملل نمی‌شود در امور داخلی هم فراوان وجود دارد. منطق دوگانه، در اصل منطق نیست، بلکه جدل و خشونت است. تردید ندارم که اگر فقط منطق دوگانه نیروها نقد و رفع شود، بخش قابل توجهی از اختلافات محتوایی نیز از میان خواهد رفت. ریشه این دوگانگی، بی‌توجهی به این قاعده طلایی اخلاقی است که امام علی خطاب به فرزندش نوشت: «آنچه را بر خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند و... برعکس.»

مهم نیست که ما در روابط بین‌الملل رویکرد واقع‌گرایانه داریم یا لیبرالی و اخلاق‌گرا، مهم این است که این رویکرد را باید در همه موارد دنبال کنیم. می‌گویند يك خواهر و برادر همزمان ازدواج کردند. يكي از فاميلها پس از يك سال مادر اين خواهر و برادر را دید و حال و روز آنها را پرسید. پاسخ داد که داماد بسيار خوبی دارم. در همه کارهاي خانه به دخترم کمک می‌کند، او را به سفر خارج می‌برد، خانه و اتومبیل خریده و هر هفته به ما سر می‌زنند. ولي امان از عروسم که پسرم را ذله کرده، می‌گوید در کارهاي خانه کمک کند، درخواست سفر خارج و خرید خانه و خودرو دارد، اصلا هم حاضر نیست به منزل ما بیاید هم‌اش خانه پدر و مادر خودش می‌رود!! بله دوستان؛ بسياري از نیروهاي سياسي ايراني به همین اندازه ضایع، تحلیل و داوري می‌کنند.

منبع: روزنامه اعتماد 16 فروردین 1401 خورشیدی